



بررسی آموزه‌های دینی و اخلاقی در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی و انعکاس آن در ساختار و تزئینات بنای تکیه دولت

اکبر اکرمی ابرقویی^۱ ID، محمود صادق‌زاده^۲ ID، هادی حیدری‌نیا^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، akbarakrami1349@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، heidari_hadi_pnuk@yahoo.com

چکیده

ادیب‌الممالک فراهانی، شاعر، ادیب و روزنامه‌نگار دوره مشروطیت که به جناح شاعران سنتی گرایش داشت و اشعارش بیشتر به لحاظ سطح فکری، فرهنگی و ایدئولوژیکی به‌ویژه مضامین اخلاقی و دینی قابل توجه و بررسی است. در این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی و ارزیابی کمی به مهم‌ترین آموزه‌های دینی و در دیوان اشعار وی پرداخته می‌شود. همچنین به انعکاس آموزه‌های دینی در بنای تکیه دولت پرداخته می‌شود. ابتدا به مبانی اعتقادی و تأثیر جهان‌بینی مذهبی بر افکار شاعر توجه و سپس اصلی‌ترین انواع فضایل و رذایل اخلاقی در اشعار وی تحلیل و بررسی شده است. ادیب‌الممالک باورهای اعتقادی و آموزه‌های دینی را بهترین وسیله برای آگاهی‌بخشی به مردم و مبارزه بی‌امان با استبداد و استعمار می‌داند. از این رو می‌کوشد با تحریک احساسات مذهبی مردم زمینه را پیشرفت جامعه هموار کند. در بخش فضایل اخلاقی مضامین وطن‌دوستی و دین‌باوری و در بخش رذایل اخلاقی، اهانت به مقدسات و ستم حکام و در بخش آموزه‌های سیاسی مسئله عقب‌ماندگی و اهمیت دستگاه قضاوت از بسامد بیشتری برخوردارند. به‌طور کلی پیشرفت جامعه از دیدگاه شاعر مرهون پیروی از سنت پیامبر اسلام (ص) و جانشینان وی و عمل به احکام شریعت می‌داند. همچنین در ساختار و تزئینات تکیه دولت از بناهای مذهبی دوره قاجار، مبانی اخلاقی و دینی نقش پررنگی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مبانی اخلاقی و دینی در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی.
۲. بررسی مبانی اخلاقی و دینی در ساختار و تزئینات تکیه دولت.

سؤالات پژوهش:

۱. مبانی اخلاقی و دینی در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی چه جایگاهی دارد؟
۲. مبانی اخلاقی و دینی در ساختار و تزئینات تکیه دولت چگونه بازتاب یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۵

دوره ۲۱

صفحه ۷۴ الی ۹۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

آموزه‌های دینی، اشعار ادیب‌الممالک، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی، تکیه دولت.

ارجاع به این مقاله

اکرمی ابرقویی، اکبر، صادق‌زاده، محمود و حیدری‌نیا، هادی. (۱۴۰۳). آموزه‌های دینی و اخلاقی در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی و انعکاس آن در ساختار و تزئینات بنای تکیه دولت. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۵)، ۷۴-۹۵.



dorl.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS.2024.274328.1546

مقدمه

ابوعیسی محمد صادق پروانه، امیرالشعراء، ادیب‌الممالک، حسینی (۱۲۹۳ش - ۱۳۳۶ش) در قریه‌ای از توابع سلطان‌آباد (اراک کنونی) متولد شد. وی فرزند حاج میرزا حسین نواده میرزامعصوم تخلص به محیط و دختر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام وزیر محمدشاه قاجار بود (قاسمی، ۱۳۶۸: ۹). وی در سن ۱۵ سالگی، پدرش را از دست داد و تعدیات ناصرالدوله عبدالحمیدمیرزا، حکمران و رئیس قشون اراک نسبت به املاک موروثی خانواده ادیب‌الممالک، وی و برادر بزرگ‌ترش میرزامهدی را در سال ۱۲۹۳ هـ.ق ناگزیر ساخت تا پیاده و با تحمل سختی‌های بسیار به تهران پناه برند. ادیب‌الممالک در تهران قصیده‌ای در شکایت از روزگار سرود و آن را با نام طهماسب‌میرزا مؤیدالدوله، شاهزاده شعرشناس و دانشور به پایان برد و به پایمردی حسنعلی خان گروسی امیرنظام (۱۲۳۶ - ۱۳۱۷ق)، تقدیم آن شاهزاده کرد. «مؤیدالدوله که از پختگی شعر و احاطه ادبی این جوان گمنام در شگفت شده بود، به توصیه امیر نظام او را در زمره چاکران خویش درآورد» (کیوانی، ۱۳۸۷: ۳۷۴). او در کل از لحاظ سبک شعری به شاعران دوران بازگشت تعلق دارد؛ درحالی‌که از نظر محتوا و موضوع، از شعرای دوره مشروطه به‌شمار می‌آید (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۳۹). شعر ادیب‌الممالک غالباً نمودار وسعت معلومات ادبی و محفوظات فراوان و چیره‌دستی شاعر در تقریر و بیان است. از ادیب‌الممالک طرفدار تمدن و فرهنگ جدید و اصلاحات مناسب با زمانه است و این معنی را در شعر به انواع گوناگون گوشزد می‌کند، اما شعر او به‌واسطه جنبه سنتی و قدمت و بافت ادیبانه‌اش قابلیت انعطاف لازم را برای اداء این‌گونه مفاهیم ندارد و آب و رنگ تجدد را فاقد است (جلالی پندری، ۱۳۶۷: ۲). با توجه به زندگانی شاعر در دوران پر از فراز و نشیب مشروطه و تأثیرپذیری او از این جریان، شناخت دستگاه اعتقادی شاعر می‌تواند میزان تأثیرگذاری او بر تحولات اجتماعی و ادبی را توجیه نماید.

از آنجاکه ادبیات و به‌ویژه شعر در هر زمان آیینۀ اندیشه و احساسات مردم زمان خود است، ادبیات عصر مشروطه بازتاب اندیشه‌ها و آرمان‌های مردم زمان خود، با زبانی تازه گردید. در حال حاضر، بیشتر تلاش‌ها و نقدهای ادبی دوره مشروطه، به‌دلیل تحولات گسترده‌ای که در حوزه اندیشه فلسفی و اجتماعی آن عصر پدیدار شد، متضمن واکاوی پیامدهای ناشی از تغییر و تحولات اجتماعی بر حوزه ادبیات و شعر آن زمان متمرکز گردیده است. در این زمینه هر روزه شاهد پژوهش‌ها و نقدهای ادبی شاعران دوره مشروطه در زمینه تأثیرپذیری آنان از حوزه تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره مشروطه هستیم که در جایگاه خود ارزشمند و قابل‌ستایش است؛ اما در این نقدهای ادبی، کنکاش در جایگاه مذهب به‌عنوان حلقه مفقوده در زمینه آبخور نگرش‌ها و تفکرات شاعران به چشم می‌آید. با توجه به این‌یکه نقد ادبی نمی‌تواند بدون توجه به معیارهای اخلاقی و مذهبی حاکم بر جامعه و تأثیر آن جهان‌بینی شاعران درک درستی از روحیه حاکم بر جامعه و فرد داشته باشد، پرداختن به معیارها و مضامین اخلاقی و دینی عصر شاعران، ما را در درک مثبت از افکار و منش شاعران و پاسداری از الگوهای برتر اخلاقی یاری می‌کند.

مقالات بسیاری در زمینه زندگی مختصات شعری و زندگی ادیب‌الممالک در دهه‌های اخیر منتشر شده است؛ ولیکن در زمینه مورد بحث ما تحقیقات درخوری صورت نگرفته است، اما نزدیک به موضوع اثر مبسوط و ارزشمندی می‌توان یافت، از جمله: نتایج بررسی سعادت (۱۳۹۰) با عنوان «کاوشی در شعر ادیب‌الممالک فراهانی» نشانگر این است که از چهار موضوع آزادی، وطن، قانون و علم (دانش) در دیوان ادیب، واژه دانش و علم نسبت به سه مورد دیگر بسامد بیشتری در دیوان ادیب دارد. از جهل و نادانی بسیار نکوهش شده است. نتیجه اینکه جهل‌ستیزی‌های ادیب محرک خوبی برای بیداری اذهان عمومی است.

اسعدی و حبیبی (۱۳۸۹) در مقاله «ماد وطن در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی» بیان می‌دارند که ادیب‌الممالک فراهانی از شاعران مشروطه با اندیشه‌های میهن‌پرستانه، در سرودن شعر با مضامین سیاسی و اجتماعی، از پیشگامان به‌شمار می‌آید که با سروده‌های وطن‌دوستانه و انتقادی خود در بیداری مردم عصر خویش نقش به‌سزایی داشته است.

جدیدی و شاهرخ (۱۳۹۳) در بررسی بازتاب تاریخ مشروطه در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی نتیجه می‌گیرند که ادیب با برانگیختن احساسات وطنی مردم و تحریض ایشان به عدالت خواهی و حکومت مردمی، آشنایی با مفاسد و معایب حکومت دیکتاتوری، اشاره به انجمن‌های مخفی از جمله انجمن فراماسونری و نظارت دقیق بر مسیر انقلاب و آگاه‌سازی مردم از انحرافات ایجاد شده و معرفی ضمنی منحرفان به نهضت مشروطه خدمت کرده است. ولی‌زاده و تقی‌لو (۱۳۹۵) در بررسی سوگواره‌سرایی حسینی؛ در «قصاید شریف‌رضی، ترجیع‌بند ادیب‌الممالک فراهانی و حدیقه‌السعدای محمدفضولی با اشاره به انگیزه‌های متفاوت برای بیان سوگواره‌سرایی، نتیجه می‌گیرند که وجود تشابهات در مضامین‌شان ملموس است. نتایج بررسی جهانشاهی افشار (۱۳۹۵) تحت عنوان تجلی قرآن کریم در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی نشان داد که اشارات قرآنی به صورت‌های مختلف وام‌گیری، اقتباس، تلمیح، حل، ترجمه و تأثیرپذیری تصویری به وفور در شعر او تجلی یافته است.

روش پژوهش در این بررسی توصیفی - تحلیلی و ارزیابی کمی است؛ از این‌رو، با استخراج اشعار و سروده‌های شاعر از کتاب دیوان کامل «زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی» نوشته و توشیح دکتر سید علی موسوی گرمارودی در زمینه آموزه‌های دینی بحث و بررسی می‌شود.

۱. مضامین اخلاقی و دینی در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی

شعر و کلام متأثر از جهان‌بینی شاعر است و جهان‌بینی شاعر تحت تأثیر شرایط اجتماعی و اعتقادی جامعه خود رقم می‌خورد. چون آموزه‌های دینی شاعر سیر حرکت و تعالی آن را رقم می‌زند، شناخت جهان‌بینی شاعر می‌تواند در نقد ادبی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. اینکه در نقد ادبی دستگاه اعتقادی شاعر چه جایگاهی دارد، تامل الیوت شاعر انگلیسی معتقد است که جز از راه مذهب بشر نمی‌تواند به سعادت برسد او در مقاله «ادبیات و مذهب» می‌گوید: «تازمانی که در یک جامعه میان مردم بر سر مضامین اخلاقی و مذهبی اتفاق نظر وجود نداشته باشد، نقد ادبی نمی‌تواند موجودیت مستقلی داشته و نسبت به معیارهای مذهبی و اخلاقی بی تفاوت باشد» (الیوت، ۱۳۷۲: ۴۰). او معتقد است

وجه اشتراک مذهب و ادبیات در این است که هر دو بر رفتار مردم به‌گونه‌ای آگاهانه و ناآگاهانه تأثیر می‌گذارند. با نگاهی به دیوان شاعران در گذر تاریخ می‌توان تأثیر شگرف جهان‌بینی مذهبی را بر آموزه‌های شعری آنان دریافت و تحت همین تأثیر ملاک‌های اخلاقی شاعر در کلام او تبلور یافته و مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای درک درست معانی شعری شاعران، شناخت جهان‌بینی و تفکرات مسلط بر زمانه زیست شاعر لازم و ضروری می‌نماید. باتوجه‌به این مهم در این مقاله تلاش داریم تا به واکاوی نقش آموزه‌های دینی در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی بپردازیم. ادیب‌الممالک فراهانی، ملقب به امیرالشعراء و متخلص به «امیری»، شاعر، ادیب، روزنامه‌نگار و نویسنده بزرگ ایران در دوران مشروطیت است که در ۱۲۳۱ سال در قریه گازران فراهان به دنیا آمد (کیوانی، ۱۳۸۷: ۳۷۴). در نسب گویند به قائم مقام فراهانی می‌رسد. در انقلاب مشروطه، ناشر افکار وطنی و قبل از آن مداح ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌میرزا و مردان دیوانی بود. در اشعارش امیری تخلص داشت (سعادت، ۱۳۹۰: ۱۹۹). ادیب‌الممالک از جمله شاعران تأثیرگذار در مراحل شکل‌گیری انقلاب مشروطه و وقایع و رخدادهای پس از آن است که با هنر شاعری خود در حد توان در راستای بیداری جامعه و مبارزه با ناراستی‌ها در راستای تفکرات مذهبی خود تلاش نموده است.

۲.۱. مبانی اعتقادی ادیب‌الممالک

بررسی اشعار ادیب نشان از تعهد کامل او به اسلام و مکتب تشیع است. حجم قابل‌ملاحظه‌ای از اشعار او دربردارنده اندیشه دینی و آیات قرآنی و شعائر مذهب تشیع است. در این راستا می‌توان به نقش پررنگ پیامبر اسلام و امامان در حیات شعری ادیب اشاره کرد.

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد
آن سید مسعود و خداوند موید
مولا ی زمان مهتر صاحب‌دل امجد
پیغمبر محمود، ابوالقاسم احمد
وصفش نتوان گفت به هفتاد مجلد
این بس که خدا گوید «ما کان محمد»
(ادیب، ۴۳۲)

دیدگاه آن شاعر نسبت به مقام رسالت در این ابیات به روشنی آشکار است. کسی که خداوند در جای‌جای کتاب آسمانی خود از او ستایش کرده و جایگاه او را به بندگان خود تذکر داده است؛ وصف بندگان در بزرگداشت او قاصر و ابتر است.

آن علی بن ابی طالب راد
مالک عرصه امکان و حدوث
که بود ختم رسل را بن عم
خسرو کشور ایجاد و قدم
فخر سازد به وجودش آدم
نزد دارد ز نژادش حوا
(ادیب، ۳۰۲)

از منظر نگاه شاعر از افتخارات امیرالمومنین علی (ع) و تفاوت مقام و منزلت او این است که تمامی پیامبران از آدم (ع) تا خاتم (ص) مقام و جایگاه او را ستوده و بزرگ داشته‌اند.

میان یثرب و بطحا علی(ع) بود
خطاب آمد ز یزدان کی پیمبر
چراغ کفر را بنمای خاموش
سراج عقل را فرمای روشن
چو موسی در میان مصر و مدین
علی را بر خلافت کن معین
(ادیب، ۳۲۴)

از دیدگاه ادیب، امر ولایت امیرالمومنین (ع) فرمانی از جانب پروردگار بوده است. ایشان فلسفه و اقتضای جانشینی پیامبر را به دو امر مهم مربوط می‌داند. اول اینکه ولایت آن حضرت باعث شکست و کم‌فروغ شدن جریان کفر می‌گردد و با وجود آن حضرت امید حامیان کفر برای نفوذ در مسلمانان به یأس مبدل می‌شود و از طرف دیگر بهترین فرد از لحاظ دانایی و عقلانیت بر جامعه حاکم می‌گردد و این همه به مصلحت جامعه مسلمانان منجر می‌گردد.

علی نمود مصفا جمال علم یقین را
فکند پرده ز رخسار ناب، شاهد دین را
علی ز تیغ شرر بار و منطق گهرآگین
گسست عروه کفر و بیست حبل متین را
(ادیب، ۷۳۴)

دیدگاه شاعر نسبت به مقام ولایت امیرالمومنین جالب توجه است وجود آن حضرت باعث بالارفتن معرفت و شناخت دینی جامعه می‌گردد. از جانب دیگر، شجاعت آن حضرت باعث از بین رفتن تهدیدها نسبت به مسلمین و منطق و دانش والای ایشان باعث محکم‌تر شدن حلقه استحكام جامعه مسلمین می‌گردد.

بگیر دامن احفاد مرتضی کاین قوم
ز آفریده فرازند و از خدای فرود
(ادیب، ۸۰۹)

از نگاه شاعر راه سعادت و نیک‌بختی پیروی از حضرت علی (ع) و اولاد اوست و بر مسلمانان فرض است تا از اهل بیت جدا نشوند و این به دلیل جایگاه والای آنان و تقرب ایشان در پیشگاه خداوند است.

بشارت باد سلطان غری را که عیش عشرت آمد عسکری را
چراغ آل ابرهیم افروخت به جان، آذر، بتان آذری را
ز خاشاک حوادث پاک سازد زلال چشمه پیغمبری را
تف تیغ بر اعدا همچو دوزخ نماید توده ی خاکستری را
(ادیب، ۲۹).

از دیدگاه ادیب راه نجات انسانیت و رسیدن به یک جامعه مبرا از ناپاکی، تنها با ظهور حجت حق امکان‌پذیر است. ظهوری که با زنده کردن آیین خداوندی و گسترش عدل و داد و از بین بردن مفسدات گریبان‌گیر جامعه بشری همراه است. حرکتی برای اصلاح امور و پدیدآمدن مدینه فاضله.

خسروا ای که طفیل قدمت
هفت گردون و سه مولود و چهار ارکان است
علم یزدان را با آن همه بسیاری و وزن
هم دلت مخزن و هم خازن و هم خزآن است

عرصه کشور ناسوت و فضای جبروت بی جمال تو به نظارگیان زندان است
(ادیب، ۱۲۳)

از دیدگاه ادیب جهان در انتظار نجات‌دهنده‌ای است که مرکز ثقل عالم هستی است و سینه او مخزن علم الهی و همه جهان هستی در بی‌صبرانه در انتظار او دیده براهند.

کنون غریب است اسلام و پیشوای جهان ندارد از ستم و جور ملحدان زنه‌ار
امام خون خورد از غصه هر زمان نگرد که دین احمد مرسل غریب گشته و خوار
که هست بیمش ز احباب خویش نز اعدا ز مسلمانانش باشد خطر نه از کفار
(ادیب، ۲۳۳)

شاعر دلیل عدم ظهور منجی را قاطبه مسلمانان کج‌دین می‌داند که از حقیقت دین روی برگردانده و باعث تضعیف پایه‌های دین گردیده‌اند. آنچه که باعث رنجش منجی گردیده جور و جفای حاصل از الحاد در جامعه نیست بلکه غفلت مسلمانان نسبت به احکام شریعت و دوری آن‌ها از دستورات پیامبر است و همین مسئله اصل و اساس بسیاری از پریشانی اوضاع مملکت است که شاعر به آن‌ها حساس است.

حضرت صاحب زمان کز بر درگاهش گردن ناکس همیشه بادا ناکس
عقل به یاری او سر دهدا هوش روح به نیروی او تن دمدا حس
(ادیب، ۲۶۶)

از منظر ادیب حرکت منجی در جهت نجات بشریت و از بین بردن ناروایی‌ها به مدد و پشتیبانی عقل و منطق امکان‌پذیر است و حرکت اصلاحی منجی براساس قانون طبیعت در مسیری منطبق با خواسته‌های جامعه انسانی شکل می‌گیرد.

۲.۲. فضایل اخلاقی در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی

وطن‌دوستی: این معنای جدید وطن به‌عنوان یک واحد جغرافیایی و سیاسی مشخص که با مفهوم ملیت و حاکمیت سیاسی ملت‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد در فرهنگ بشری سابقه چندانی دیرینه‌ای ندارد، در ایران، در دوره ناصری در جریان نهضت مشروطه‌خواهی، در نتیجه آشنایی با مظاهر و مدنیت غرب، مفهوم جدید وطن، به‌عنوان یک عنصر فرهنگی، به فرهنگ ایران راه یافت و سال‌ها نیز طول کشید تا معنای جدید از وطن، جذب فرهنگ ملت ایران شد (آجودانی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

یکی از راه‌های مقابله با تسلط اجنبی بر خاک میهن برانگیختن احساس وطن‌پرستی مردم در یک جامعه دینی از طریق خطابه و شعر براساس اعتقادات مذهبی است.

نفوذ بیگانگان

ای علما تا به کی کنید پی حرص
ای ادبا تا به کی معانی بی اصل
ای عرفا چند گستردید در این راه
ای خطبا تا به کی دریدن و خستن

آلت بیداد خویش شرع و سنن را
می‌بتراشید ابجد و کلمن را
دانه تسبیح و دام حيله و فن را
با دم خنجر دل حسین^(ع) و حسن^(ع) را...

(ادیب، ۱۳).

او با تحریک عواطف طبقات مختلف مردم از طریق آموزه‌های مذهبی نسبت به نفوذ روسیه هشدار می‌دهد و خطاب به علما در زمینه‌ی بی‌عملی در مقابله با دشمن آنان را گناه کار می‌داند.

حدیث ژاپون بگوی و میکادو
سزاست آن که به مردانگی و غیرت و علم
چه شد که این پسر نو رسیده شرق
به شرق و غرب لوایش بلند و دست رساست

اگر حدیث کنی این چنین حدیث رواست
علم شوند که امروزه دستشان بالاست
به شرق و غرب لوایش بلند و دست رساست

(دیوان، ۱۱۰).

ادیب از عقب‌افتادگی وطن رنج می‌برد و راه پیشرفت و سربلندی وطن را مردانگی و غیرت و همیت مردم با چاشنه‌ای از دانش و علم میسر می‌داند.

عدم سلطه‌پذیری

گر خوانده ای به مدرسه اندر کتاب فقه
دانی که حفظ دین و وطن بر حق
بگسل ز خصم و دست به دامان دوست زن
خواهی اگر ز ورطه طریق نجات را

فصل جهاد و مساله واجبات را
فرض است آنچه‌ان که طهارت، صلوات را
خواهی اگر ز ورطه طریق نجات را

(ادیب، ۲۲).

رجال دولت و عمال حکومت در راه جمع کردن ثروت و چاپیدن مال مردم، از هیچ‌گونه تعدی و خلاف‌کاری دریغ نمی‌کردند برای تعدیل‌دادن اسراف و ولخرجی‌های بر باددهنده خویش منابع طبیعی کشور را به‌صورت امتیازات در مقابل استقراض‌های سرسام‌آور ننگین به اجانب می‌فروختند و بدین طریق بزرگ‌ترین خیانت را نسبت به مملکت و ملت خود مرتکب می‌شدند. قدرت‌های خارجی نیز هیچگاه فرصت آبادانی و پیشرفت به ایران نمی‌دادند. مملکت بیمار محترضری بود که «پزشکی سروقت این این بیمار آمده و برای بهبود آن نسخه‌ای نوشته فوری همسایه‌های شمالی ایران که منتظر مرگ بیمار هستند نسخه پزشک را پاره کرده‌اند و لگدی هم به بیمار زده‌اند» (لرد کرزن، ۱۳۴۷: ۲۲۵). از دیدگاه ادیب تسلط بیگانه بر خاک وطن ریشه در بی‌ایمانی و پیروی از اهل باطل است و جهاد در راه وطن برای حفظ و صیانت از دین فریضه‌ای واجب است و پیوند با دشمن افتادن در ورطه ضلالت و نابودی است.

ای مسلمانان اگر اینتان روز و اینتان روزگار
گریه بر اسلام دارد، ناله بر اسلامیان
گر همی خواهی که اسلام آید از خواری برون
(ادیب، ۶۹)

نامی از اسلام در گیتی نماند عن قریب
با دلی پر آتش و جانی نوان، خدی تربیب
جان فدا کن، گریه را حاصل چه باشد ای ادیب

به روشنی نتیجه سلطه بیگانه را محو اسلام و مسلمانی می‌داند و تنها راه نجات میهن از سیطره دشمن را پایمردی و فداکاری مسلمین و جهاد در راه وطن می‌داند.

شکوائیه از رنج وطن

ساحت مشرق شده زمینه مغرب کشور اسلام گشته سخره کفار
دین خدا خوار گشت و مرد خدا ماند خوار و زبون از جفای مردم خونخوار
(دیوان، ۲۲۹)

نتیجه تسلط دشمنان بر سرنوشت کشور، خطری برای دین و گسترش خفت و خواری برای مؤمنان است.

اسلام اینک غریب مانده و مهجور ایمان اینک نژند مانده و افگار
گشته مشوه جمال دین پیمبر گشته مشوش خیال مردم دیندار
(ادیب، ۲۳۰)

ادیب به دلیل بینش مذهبی و آگاهی تاریخی نسبت به سرنوشت وطن و شرایط حاکم بر آن در جهت برانگیختن احساسات مردم ناآگاه، حاکمان دینی و حاکمان سیاسی چاره کار را توسل به احساسات مذهبی می‌بیند مربوط و بدین گونه اعتراض خود را به آشفتگی اوضاع و نابسامانی وطن نشان می‌دهد.

دوش گفتم به دوستی که بود حفظ این آب و خاک بر همه دین
راز «حب الوطن من الایمان» هست دستور سید ثقلین
وز برای رواج دین بازار به غزا رفت شاه بدر و حنین
پی این کار شد علی مقتول بهر این امر کشته گشت حسین
(ادیب، ۹۳۱)

حفاظت از خاک وطن را بر همگان یک تکلیف می‌داند و فداکاری در راه آب و خاک را هم‌راستای کشته شدن در راه دین می‌داند.

مناعت طبع

رزق از من دور شد چون از حیا بستم نقاب هم غنی گشتم چو پوشیدم ز استغنا ردا
شیر یزدان گفت ز استغنا غنی گردند خلق نیز احمد گفت باشد مانع روزی حیا
(ادیب، ۳۵)

بی‌نیازی و مناعت طبع از اصول اخلاقی و دینی به حساب می‌آید و یکی از صفات نیکوی مردان خدا بلندی طبع و نداشتن روحیه زیاده‌خواهی است. هرچند حیا در برخی از مواقع باعث از دست دادن روزی می‌گردد، ولیکن آنچه به دست می‌آید بی‌نیازی انسان است که ارزش بالاتری دارد.

سخاوت‌مندی

گفت پیغمبر که هر کس تشنه ای را داد آب هست اجرش چون بر ولایت بر علی مرتضی
گر چنینیستی که آن شه گفت در پاداش کار بر تو خواهد بود ارزانی کنوز الاولیا
(ادیب، ۳۸)

انقلاب مشروطیت که صلاهی آزادی و اصلاح اوضاع اجتماعی را سرداده بود، به‌طور اعجاب‌انگیزی فقر، واماندگی، مصائب و مرارت‌های رنجبران و زحمت‌کشان را هدف قرار می‌دهد. شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری، احزاب، گروه‌های سیاسی، مذاکرات و گفت‌وگوهای مجالس نخستین در سوق دادن ذهن شعرا به این وادی سهم به‌سزایی داشته است (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در این زمینه، ادیب با دیدگاه مذهبی به سراغ این پدیده می‌رود. او تأکید می‌کند که کمک به هم‌نوع و دستگیری از دیگران از مهمات امور مسلمین است و اصرار بر آن در تمامی رهنمودهای اولیا و اوصیا دین دیده می‌شود. این همه تأکید بر این اصل انسانی برای از بین رفتن چهره فقر و فاقه از جامعه بشریست؛ چون چهره کریمه فقر منتج به بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی دیگر می‌گردد و برای اصلاح جامعه مسلمین باید با آن مبارزه کرد.

علم و دانش

ایزد یکتا نخواست کار جهان را در جریان جز به دستیاری اسباب
آب نجوشد اگر نتابد آتش سیم ننالد اگر، اگر نباشد مضراب
علم است اسباب کار مرد ازیرا مرد چو باشد به علم ماهر و نقاب
(ادیب، ۵۴)

آگاهی و دانش حلقه مفقوده پیشرفت جامعه انسانیت، زیرا ناموس طبیعت و خداوند اسباب و علل را بر کار جهان جاری کرده و ما بدون شناخت جهان و آگاهی از امور نمی‌توانیم بر طبیعت فائق آییم و مسیر پیشرفت را طی نماییم و تنها راه کار برای تسلط بر اوضاع جهان پیرامونی مهارت‌های علمی و تکیه بر عقل و منطق است.

دین باوری

چون نماز از بهر غیر حق، چه زاید زان نماز
جز جنون و صرع، یا سرسام و مالیخولیا
(ادیب، ۳۵).

اطاعت حق

دو چیز باید مر مرد را در این گیتی
نخست طاعت حق را شعار خود کردن
کزین دو می‌برهد از هزارگونه خطر
دوم به دست گرفتن زمام فضل و هنر
(ادیب، ۲۵۹)

ملاک درست زیستن و سعادت فرد و جامعه در دو مؤلفه گردن نهادن به قوانین شریعت و کسب علم و آگاهی است. مشخص می‌گردد که منظور شاعر از این دو مؤلفه توأمان رساندن این پیام است که دینداری همراه با آگاهی دارای ارزش است و تعهد و تخصص توأمان چون دو بال انسانیت در سعادت فرد و جامعه نقش اساسی دارد.

آنان که به وتر و شفیع، جستند ز یزدان نفع
کردند ز خاطر دفع اندیشه شیطانی
(ادیب، ۳۰۲)

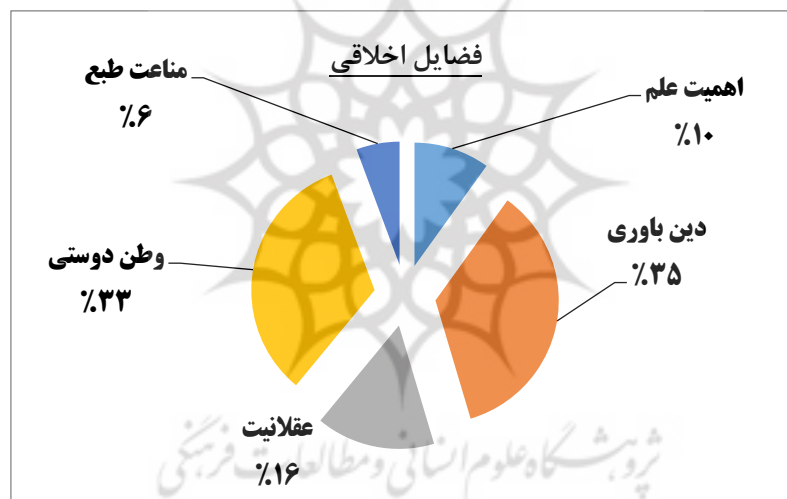
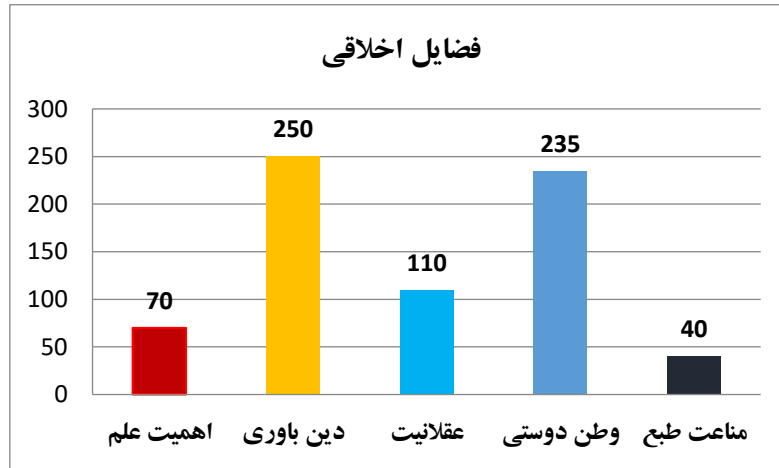
اشاره شاعر به نماز شب، نشان از عمق باورهای او در زمینه کارکرد اعمال مذهبی در راستای دوری جستن از گناهان است. او همچون یک سالک راه سعادت آدمی را در توسل به مناسک مذهبی و دوری جستن از دام‌های گسترده اهریمن می‌داند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عقلانیت

نخستین گوهر کافریدش خدای خرد بود کامد به حق رهنمای
در انبان دانای گوهر فروش ندیده ست کس گوهری چون سروش
(ادیب، ۶۲۸)

مطابق با آموزه‌ای مذهبی و سنت فلسفه اسلامی اولین فیض صادره از خداوند عقل بود و این مسئله اهمیت عقلانیت و آگاهی را در زندگی بشر برجسته می‌سازد.



۲.۳. ردایل اخلاقی در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی

اهانت به مقدسات: سربازان روسیه به دستور کنسول آن کشور، در دهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۰ ق حرم مطهر را محاصره کردند. روس‌ها از مکان‌های مختلف، گنبد مطهر را گلوله‌باران کردند. بهانه ظاهری متفرق نمودن اشرار بود (خراسانی، ۶۳۳؛ کاظم‌زاده، ۶۴).

اشرار که عامل اصلی این مفسد بودند در تاریکی شب از دروازه‌ای که در دست قشون روس‌ها بود گریختند بدون آنکه آسیبی به یک نفر از آن‌ها برسد و تنها شماری زوار و مردم بی‌گناه کشته و مجروح شدند (شریف کاشانی، ۷۰۵/۳؛ نوایی، ۲۹۸).

خراب کردند این قوم ملک ایران را به باد دادند آیین و دین و ایمان را
کجا رسد به مراد آنکه بازگردانید ز کعبه روی و به دل پشت کرد قران را
در صفا چه زنی، راه راست چه پرسی ز مردمی که ندانند راه یزدان را (ادیب: ۱۴)

به توپ بستن حرم امام رضا (ع) تعرض به ایران و تجاوز به احساسات مذهبی شیعیان بود و از منظر ادیب این تجاوز به دلیل رخت بر بستن ایمان از میان مردم و ناسپاسی مذهبی آنان است و مستحق سرزنش و همین بساط باعث سیطره دشمن می‌شود.

کفور اگر نبدی، کافری نبی، زین است که اهل کفران دورند عفو و غفران را
چرا به شیطان لعنت کند کسی که به عمد نهفته در بن هر مو هزار شیطان را
کجاست فاتحه خیبر و مکرمت که دهد خورش ز مائده فضل، آل عمران را
(ادیب، ۱۵).

دلیل قاطع دست‌اندازی روسیه به ایران و هتک حرمت امام رضا(ع) را بی‌ایمانی مردم و دورشدن از طریق حق و گام‌نهادن در مسیر اهریمن می‌داند.

محاربه با خدا

هیچ دانی محارب کیست آن پتیاره ای کز نهییش خستگان را ناله از تن شد بلند
مہتران را زو همی‌بر عرض و جاه آید زیان کھتران را زو بسی بر مال و جان آید گزند
شاخ طوبی را کند فرسوده از یک تند باد آب کوثر را کند آلوده با یک زهرخند
(ادیب، ۱۸۳-۱۸۲)

شاعر در دیوان خود حکم محاربه با خداوند را مرگ و نیستی می‌داند و به جنگ با محارب و از بین بردن محارب تأکید وافر دارد اما در دست‌گاه فکری او محارب تعریف خاص خود را دارد و با معیارهای حقوق بشری همراه است از منظر او محارب و دشمنان خدا کسانی هستند که مردم از دست آن‌ها آسایش ندارند و مخل آسایش جامعه انسانی است.

ستم حکام

ای که خاک خویش را چون ریش خود دادی به باد بر در دشمن شدی با نوک مژگان خاکروب
خون فرزندان خود کردی به جام دشمنان این گنه را کی ببخشد فضل غفار الذنوب
(ادیب، ۱۰۵)

نسبت به روی خوش نشان‌دادن به سلطه‌گران خارجی توسط حکومت راهبرد مذهبی دارد و این گناه بزرگ را خیانت به وطن و خون‌های به ناحق ریخته جوانان می‌داند و در اینجا محمدعلی‌شاه را مسئول اوضاع معرفی کرده و یادآور می‌شود که خداوند همچین گناه و خیانتی را هرگز نمی‌بخشد.

از این شراره که افروختی به خرمن خلق
بسی نمانده که از خانهات برآید دود
خدای دادگر ارچند دیر گیرستی
سزای مردم بی‌دادگر ببخشد زود
(ادیب، ۸۴۲)

در اینجا نیز احساس مذهبی شاعر حکم می‌کند که او نسبت به تعدی حکام، بحث انتقام خداوند از بدکاران را برجسته نماید و آن‌ها را نسبت به فرجام کارهایشان انداز دهد.

از این شراره که افروختی خرمن خلق به
بسی نمانده که از خانهات برآید دود
خدای دادگر ارچند دیر گیرستی
سزای مردم بی‌دادگر ببخشد زود
(ادیب، ۸۴۲)

شاعر حاکمان را از تعدی و دست‌اندازی به حق مردم برحذر می‌دارد و به آنان هشدار می‌دهد که خداوند پناهگاه مظلومان است و سرانجام حق آن‌ها را می‌گیرد و این حاکمان ظالم به زودی به سزای اعمال خود خواهند رسید.

قاضیان بی‌لیاقت

نه معنی به قاعده دین و رسم و داد
نه معتقد به داور بخشنده صمد
نه سوی حق گشوده ز راه امید چشم
نه در نماز سوده به خاک از نیاز خد
(ادیب، ۸۴۲)

اخلال در نظم و امور قضاوت به وجود قاضیان نابکار بستگی دارد و وجود فساد در این قاضیان را به فقدان ایمان و عمل نکردن به احکام شریعت منوط می‌کند. پس راه برون‌رفت از بی‌عدالتی تربیت انسان بر مبنای الگوهای شریعت است.

کاین مملکت ز سوء تدبیر قاضیان
ویرانه شد چو شهر سدوم از قضای «کن»
دانی به کارها ز چه رو نیست رنگ و بوی
کز بهر کار نیست یکی مرد کارکن
مستور گشته شمس کیاست از این بلاد
مهجور مانده نور سیاست از این مدن
(ادیب، ۹۲۷)

از بی‌تدبیری قاضیان است که رشته امور از هم گسسته و بارقه امید از جامعه رخت بر بسته و این همه اهمال و بی‌کفایتی کشور را به سمت نابودی کامل سوق می‌دهد.

جنگ و ستیزه

جنگ ننگ است در شریعت من
جز پی پاس دین و حفظ وطن
درد دین و وطن چو نیست تو را
صلح کل شو، مدار چون و چرا
(ادیب، ۶۲۲)

از دیدگاه شاعر جنگ و ستیز در شریعت او جایگاهی ندارد مگر در دو جایگاه که حرمت جنگ برداشته شده و رومی گردد. در مرتبه اول، در نگاهداشت و حفظ دین کوتاهی کردن خطاست و ناگزیر بایستی به دفاع از ناموس شریعت پرداخت. در مرتبه بعد، جنگ در راستای حفظ کیان وطن و پاسداری از کشور است. اگر این دو ضرورتی ندارد جنگ و خصومت در جامعه معنایی ندارد.

در مذمت می خوارگی

می نخورد هیچ زانکه خوردن می را بیهوده حرمت نداد احمد مختار
دختر رز امالخبائث است و به تحقیق جز بچه ماران نزاید از شکم مار
(ادیب، ۲۱۳)

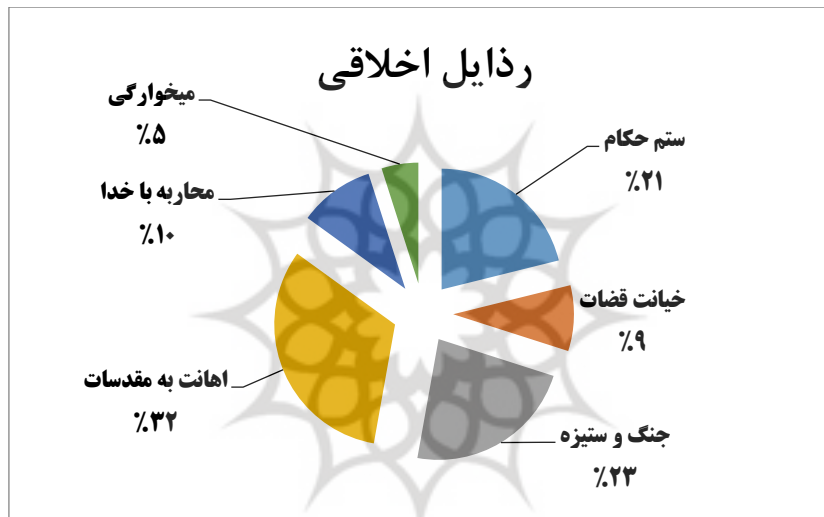
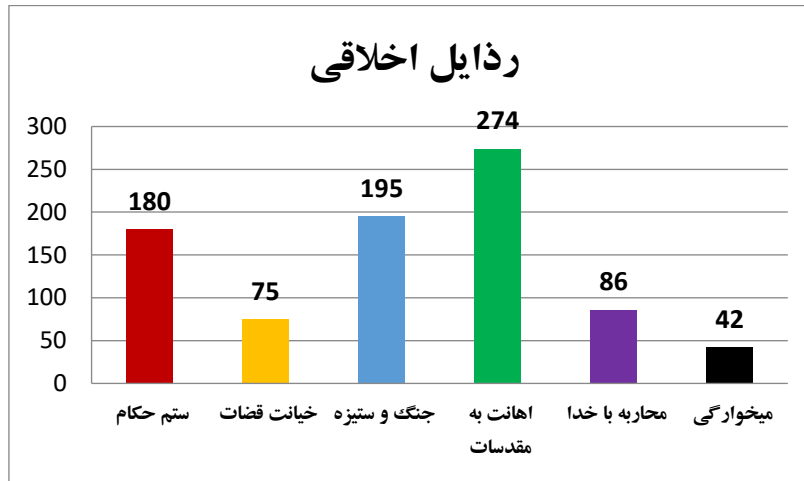
شاعر از دیدگاه مذهبی به می نوشی نظر دارد و این عمل را بستر تمامی ناپاکی ها و ناراستی ها می پندارد و همین دلیل کفایت می کند تا پیامبر حکم به حرمت آن دهد و مسلمانان را از شر آن بر حذر دارد.

باده منوش ای پسر که باده کشان را پایه فرهنگ را می نماید ستوار
هوش ز میخوارگان مجو، ازیراک هوش نماید به مغز مردم میخوار
(ادیب، ۲۱۴)

دلیل حرامی می علاوه بر حکم دین، دو وجه اجتماعی و فردی دارد. از منظر اجتماعی رواج آن باعث سست شدن شالوده و اساس فرهنگ جامعه می گردد و از منظر فردی زبانی که به فکر و عقلانیت فرد می زند، موجب لطمات به شخصیت فرد می گردد.

گفتش آن یک بود این باده ناب دشمن شرم و خرد، مایه خواب
نفس را خانه برانداز ورع طبع را سلسله جنبان طمع
(ادیب، ۶۷۸)

بار دیگر در مذمت می خوارگی و قبح آن سخن رانده و می را اسباب بی خردی و بی شرمی می داند و نفس انسانی را مستعد نابکاری و طبیعت انسان را سرمنشأ آز و طمع می گرداند.



شوریه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲.۴. آموزه‌های سیاسی در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی

اتحاد مسلمین

از آن قصیده که ابواب اتحاد گشود
از آن قصیده که در حله تهنیت گفتند
ز رغم مفسد و غماز آشتی کردند
به روی امت فاروق و شیعه حیدر
ز نظم آن خلفای نبی به یکدیگر
متابعان علی (ع) با موالیان عمر
(ادیب، ۲۳۱)

از نظرگاه شاعر مشکلات بسیاری که بر جامعه مسلمانان در کشورهای مختلف روی می‌دهد ریشه در گسست از همدیگر و عدم تحمل دیگر مذاهب است و راه برون‌رفت از این دایره شوم اتحاد و آشتی بین مذاهب در راستای کنترل خشونت‌ها و جنگ‌افروزی‌های مداوم بین فرق مختلف اسلامی است.

عقب‌ماندگی مسلمانان

در این زمانه که یکسر جهانیان خرسند
بر آن بود این پستی و حقارت و ذل
شکسته اند به فرمان ایزدی پیمان
که نه در ایشان دانش بود، نه دانشمند
ز چیست ملت اسلام گشته خوار و نژند
گسسته اند ز پیمان احمدی پیوند
(ادیب، ۱۳۴)

بعد از شکل‌گیری مشروطه بسیاری از آزادی‌خواهان مشاهده می‌کنند که نتیجه حاصله آن مشروطه‌ای نبود که او و دیگر آزادی‌خواهان به خاطر آن مبارزه کردند. و نسبت به سلطه زمینداران و طبقه بورژوازی کشور، تحت عنوان قانون، مجلس و مشروطیت بر طبقه زحمتکش و دهقان شکوه و اعتراض داشتند. در چنین شرایطی برخی شعرا مانند لاهوتی تنها راه‌چاره را برپایی انقلاب دانسته و مردم را دعوت به مبارزه علیه ظلم و ستم می‌کند. اما از دیدگاه فراهانی دلیل رخوت و رکود در جامعه گسست و جدایی مردم از تعالیم اسلام است و راه نجات میهن و عبور از تنگناهای موجود را پایبندی مردم به قانون شریعت می‌داند.

در مذمت و نکوهش علمای عراق

به شکر آنکه خدا داد بر تو افسر و گفت
حمایتی کن شرع رسول خاتم را
اگر مخرب دین را رها کنی فردا
چه عذر داری پیغمبر مکرم را
به اعتقاد من از عدل شه نمی‌ترسد
کسی که خوف ندارد خدای عالم را
(ادیب، ۵۱)

در این اشعار ادیب بر طبق نگاه مذهبی خود وظیفه اصلی عالمان دین را حمایت از شرع مقدس و دفاع از کیان دین می‌داند و مخالفت علما با برخی قوانین جاری را در راستای حمایت از دین نمی‌داند و آن‌ها را مسئول عواقب نابهنجار آن می‌داند.

دستگاه عدلیه

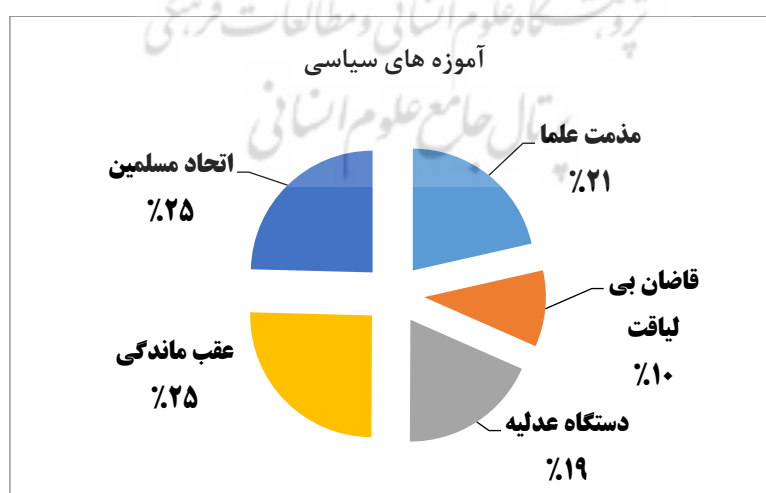
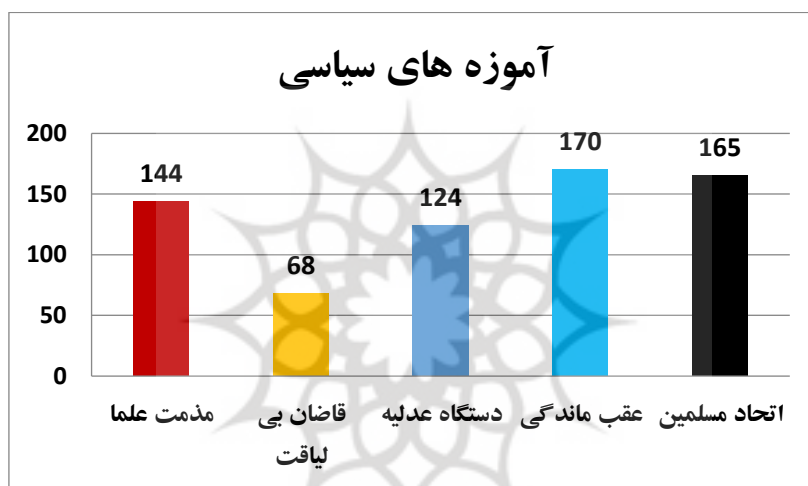
فضا و ساحت عدلیه یا رب از چپ و راست
تهی ز مردم دیندار و دین پرست چراست
بنای کژ نشود راست، گفته اند ولیک
به دست کژمنشان این بنای کج شده راست
ز بس که خولی و شمر و سنان در آن بینی
صبح نوروز آنجا چو شام عاشوراست
(ادیب، ۱۰۹)

از دیدگاه ادیب دستگاه عدلیه جایگاه مردان خدا و دینداران واقعی است در غیر این صورت، رخنه افراد بدون پشتوانه دینی موجب فراهم آمدن شرایط نامساعد در دستگاه عدالت می‌گردد و جامعه را با بحران روبه‌رو می‌کند.

مشروطه‌خواهان دروغین

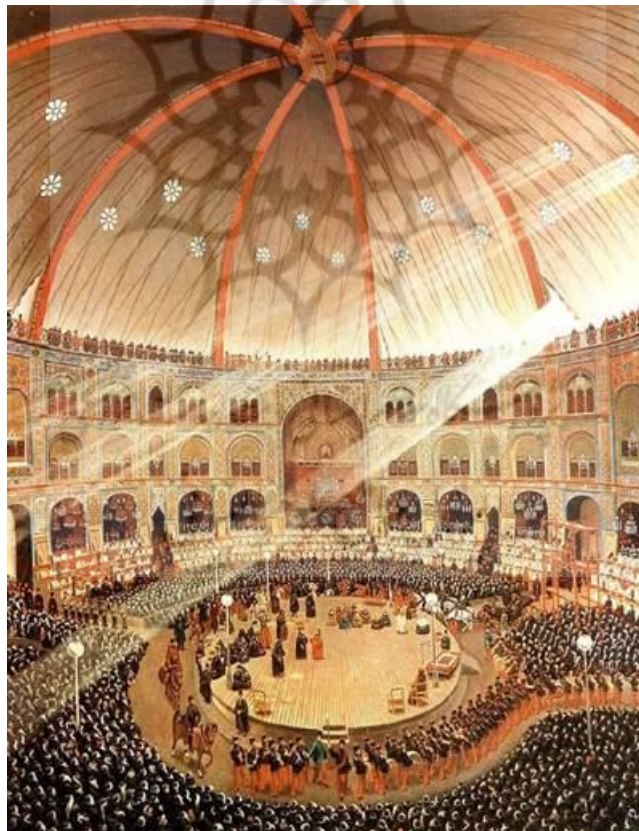
نام مشروطه از ایشان شده زشت جان خلق آمده از غصه به لب
گلشن دین را صرصر باشند آتش کین را حمال حطب
دشمن افسر و اورنگ عجم خائن ملت و آیین عرب
(ادیب، ۵۲۶)

عدول از اصول مشروطه‌خواهی توسط عده‌ای و خیانت به جریان مشروطه را از زاویه جهان‌بینی خود تفسیر و تعبیر کرده است از نظر شاعر خیانت به آرمان‌های مشروطه باعث از رونق افتادن احکام دینی و فوران خشم جامعه خواهد شد. این خیانت‌کاران از یک جانب دشمن ملیت و بیرق ایرانیت و از جانبی خیانتکار به امت اسلامی هستند.



۳. ساختار و تزئینات در تکیه دولت

افزایش جمعیت تهران در زمان ناصرالدین شاه و علاقه شاه و اعیان و اشراف سبب ساخت تکیه دولت در سال ۱۲۸۴ هـ.ق. شد. باتوجه به توصیفات سیاحان اروپایی و مورخان ایرانی، تکیه دولت دارای معماری خاص دوره قاجار و ساختمانی مدور با چهار طبقه بود که طبق روش‌های مهندسی تکایای ایرانی ساخته شده و با انواع و اقسام وسایل، تزئین و آماده تعزیه‌داری بود. تکیه دولت در رشد و اعتلای تعزیه و شبیه‌خوانی در دوره قاجار نقش مهمی داشت. تعزیه‌های انجام شده در آن زیر نظر ارگ سلطنتی و دربار بود و تعزیه‌گردان آن، معین‌البکا و ناظم‌البکا خوانده می‌شد. برنامه‌های تعزیه‌ها در اعلان‌هایی روی دیوار زده می‌شد و شیوه تعزیه‌خوانی با مراسم و تشریفات خاصی همراه بود. اوج تعزیه دوره قاجار تا مرگ ناصرالدین شاه بود و پس از مرگ وی، جانشینانش به دلیل شرایط جامعه و حوادث مشروطه، نتوانستند مانند ناصرالدین شاه در تکیه دولت تعزیه‌داری کنند. تعزیه از این زمان رو به افول و تنزل نهاد. امروزه از تکیه دولت چیزی به جز اسناد و مدارک و مقداری عکس و یک نقاشی اثر کمال‌الملک، باقی نمانده است (خان محمدزاده، ۱۳۹۲: ۲۶). جلوه‌هایی از ساختار و تزئینات این بنا را می‌توان در نقاشی کمال‌الملک از تکیه دولت مشاهده کرد.



تصویر ۱. نقاشی از تکیه دولت در سال ۱۲۷۱ اثر کمال‌الملک

تکیه دولت یک سازه کلیدی برای خودایستایی مذهبی ناصرالدین شاه به‌شمار می‌آمد. او با ساختن بنای تکیه دولت نه به شیوه معماری اسلامی، بلکه با الگوبرداری از معماری غرب، نخستین گام را در گذرگاه دگرگونی آیین‌های مذهبی

برداشت؛ به‌گونه‌ای که نمایندگان سیاسی و اروپایی برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، ملزم به حضور در برنامه‌های دینی دربار شدند و جایگاه ویژه خاندان سلطنتی و زنان دربار در حالی در این بنا دیده شده بود که روحانیت در این ساختمان، جایگاه خاصی نداشت و این تنها آیین مذهبی‌ای بود که مراسم بدون وابستگی و نقش اصلی روحانیت برگزار می‌شد (احمدی، پورمحمدی املشی، ۱۳۹۹: ۲۹).

ساختمان تکیه در سه طبقه و به شکل دایره‌ای شکل و با نمای آجری ساخته شده بود. ارتفاع این بنا را ۲۴ متر گزارش کرده‌اند. وقایع مهمی چون مجلس مؤسسانی در ۱۳۰۴ ش، برکناری احمدشاه و گماردن رضاخان به سلطنت ایران، در این بنا رخ داده است. ساختمان تکیه دولت دایره‌ای شکل و آجری به قطر تقریبی ۶۰ متر و به ارتفاع ۲۴ متر بود (تکیه دولت، ۱۳۴۳: ۷). این ساختمان با احتساب سردابه، چهار طبقه داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۸۷) و مساحت آن حدود ۲۸۲۴ متر مربع بود (همان). صحن مرکزی را داربستی از الوار و تیرهای چوبی می‌پوشاند که با بست‌ها و تسمه‌های آهنی درهم چفت شده و بر روی دیوارهای بنا تعبیه شده بود و سقفی گنبدی را بر روی صحن تشکیل می‌داد که در مواقع لزوم چادر کرباسی ضخیمی بر روی آن می‌کشیدند (همان). در اطراف صحن تکیه، ۲۰ طاق (هر یک به عرض هفت و نیم متر) با دیوارها و ستون‌های کاشی‌کاری قرار داشت و روی طاق‌ها اتاق‌هایی در دو طبقه ساخته شده بود. اتاق‌های طبقه اول ویژه وزرا و حکام ولایات بود (اورسول، ۱۳۵۲: ۱۶۰). اتاق‌های طبقه دوم اُرسی (پنجره مشبک) داشت و مخصوص بانوان حرم بود (همان). طبقه سوم، جایگاه نقاره‌چی‌ها بود که با نرده‌ای حفاظت می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۹۳). اتاق شاه در طبقه دوم، ارتفاع بیشتر و سردر و سقف بلندتری داشت (گرین ویلر، ۱۳۸۳: ۲۸۹). هنگام اجرای تعزیه پرده توری سیاهی در برابر غرفه شاه می‌کشیدند و ورود به اتاق‌ها و خروج از آن‌ها از طریق راهروهای پشت آن‌ها صورت می‌گرفت (مستوفی، ۱۳۶۰: ۲۹۳).

در وسط صحن تکیه، سکوی گردی به شعاع تقریبی نه و نیم متر و ارتفاع تقریبی یک متر با ازاره سنگی منقوش با قاب و شمشه قرار داشت که سطح آن آجر فرش بود. در این ازاره دریچه‌هایی تعبیه شده بود که احتمالاً به زیرزمین گشوده می‌شد (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۹۷). در دو طرف سکو، دو پلکان سه پله‌ای قرار داشت. دور سکو، محوطه‌ای به عرض تقریبی شش متر برای عبور اسب‌ها و دسته‌های موسیقی منظور شده بود. پلکانی در شش ردیف با یک پیش‌آمدگی دورتادور صحن و متصل به ساختمان مدور تکیه قرار داشت که مشرف بر صحن مرکزی و سکوی آن بود. این بخش، مخصوص زنان بود (ذکا و سمسار، ۱۳۶۹: ۳۶/۲). براساس وصف‌هایی که از فضای داخلی تکیه دولت برجا مانده است، می‌توان گفت که تزئین در آن بیش از معماری کلی و نمای بیرونی اهمیت داشته است، به ویژه استفاده از شمعدان‌های چند شاخه و دیوارکوب‌ها و چلچراغ‌ها و شمع‌ها و مانند این‌ها که نورپردازی فضای تکیه را چشمگیر می‌کرد. بخشی از نور تکیه، به‌ویژه سکوی وسط، از چراغ‌های لاله فنی با کاسه بلور که فراش‌ها حمل می‌کردند، تأمین می‌شد (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۹۶). گذشته از منابع نور، داخل تکیه را با تاج‌های گل و پارچه‌ها و قالی‌های گرانبها و آیینه می‌آراستند (اوسرل، ۱۳۵۲: ۹۲).

نتیجه‌گیری

بررسی آموزه‌های مذهبی در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی مبین این حقیقت است که تقیدهای دینی و مذهبی بیشترین نمود را در شکل دادن به اشعار برعهده دارد. از نظر شاعر نیکی و پارسایی، درستی و راستی، خیراندیشی و رستگاری، دوری از کج‌اندیشی، نیک‌رفتاری، دوری از رذائل اخلاقی، تعالی و پیشرفت جامعه همگی مرهون متابعت از پیامبر و بزرگان شریعت است و تمامی رذائل اخلاقی در فرد و جامعه محصول دوری از احکام شریعت و جدایی مردم از شیوه پیامبر (ص) و جانشینان ایشان است. بررسی فضایل اخلاقی در اشعار شاعر گواه بر این مدعاست که دین‌باوری و وطن دوستی بیشترین بسامد را داراست و او با مبنا قراردادن ارزش‌های دینی به مبارزه با ناراستی‌ها می‌پردازد و در بحبوحه جریان مشروطه، حس وطن‌پرستی، مبارزه با حاکمیت زورگو، دفاع از طبقات محروم و مبارزه با سلطه بیگانه را وظیفه شاعری خود می‌داند. فراهانی با احساس مسئولیت نسبت به شریعت و جامعه، علت لعل دردها و نابهنجاری‌های اجتماعی را دوری از آرمان‌های الهی و کم‌رنگ شدن نقش دین و مذهب دانسته و تحقق آرمان‌های دینی و سربلندی وطن مردم را با توسل جستن به سنت‌های دینی و مذهبی می‌داند در زمینه رذایل اخلاقی بیشترین بسامد مربوط به اهانت به مقدسات و جنگ و ستیز در جامعه است و ریشه این مشکلات و معضلات را دوری از قوانین اسلام و انحراف از مبانی دینی می‌داند. با نگاه و مذاقه در اشعار او دیدگاه و جهان‌بینی او نسبت به سرنوشت ایران و شدت علاقه او به سربلندی و پیشرفت ایران در لوای پیروی از دین اسلام و مذهب تشیع آشکار می‌گردد. وجود فساد در نهادهای قضایی نتیجه فقدان دینداری می‌داند. از دیدگاه ادیب دستگاه عدلیه جایگاه مردان خدا و دینداران واقعی است؛ در غیر این صورت، رخنه افراد بدون پشتوانه دینی موجب فراهم آمدن شرایط نامساعد در دستگاه عدالت می‌گردد و جامعه را با بحران روبه‌رو می‌کند. ملاک درست زیستن و سعادت فرد و جامعه در دو مؤلفه گردن نهادن به قوانین شریعت و کسب علم و آگاهی می‌داند. از نظر او دینداری همراه با آگاهی دارای ارزش است و تعهد و تخصص توأمان چون دو بال انسانیت در سعادت فرد و جامعه نقش اساسی دارد. اما از دیدگاه فراهانی دلیل رخوت و رکود در جامعه گسست و جدایی مردم از تعالیم اسلام است و راه نجات میهن و عبور از تنگناهای موجود را پایبندی مردم به قانون شریعت می‌داند. تکیه دولت از بناهای دوره قاجار نیز به‌عنوان یک سازه مذهبی با مبانی اخلاقی مطرح است.

منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۷). یا مرگ یا تجدد، دفتری در شعر و ادب مشروطه. چ ۴، تهران: اختران.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). از صبا تا نیما «تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی». ج ۲، چ ۵، تهران: انتشارات زوار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۳). المآثر و الآثار (در چهل سال تاریخ ایران). به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶): سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران. ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اورسول، ارنست. (۱۳۵۲). سفرنامه اورسل: ۱۸۸۲ میلادی. ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان. تهران: انجمن آثار ملی.
- شریف کاشانی، محمدمهدی. (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه روزگار. تهران: انتشارات تاریخ ایران.
- قاسمی، فرید. (۱۳۸۶). محمداصدق حسینی (ادیب‌الممالک فراهانی). تهران: شهاب.
- کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران. ترجمه: منوچهرامیری، تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی.
- کیوانی، مجدالدین. (۱۳۸۷). دایره المعارف اسلامی. زیر نظر موسوی بجنوردی، تهران.
- گرین ویلر، سمیوئل و بنجامین یلر. (۱۳۸۳). ایران و ایرانیان: عصر ناصرالدین شاه. ترجمه: محمدحسین کردبچه، تهران: گلبانگ.
- لرد کرزن. (۱۳۴۷). ایران و مسئله ایران. ترجمه: علی جواهر کلام. تهران: ابن‌سینا.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۶۰). شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: زوار.
- نوابی، عبدالحسین. (۱۳۳۵). دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم. تهران: انتشارات بابک.

مقالات

- احمدی، علیرضا؛ پورمحمدی املشی. (۱۳۹۹). «تشریفات مذهبی دوره ناصرالدین شاه قاجار؛ با تأکید بر ساختمان تکیه دولت». تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۵۲، ۴۹۰-۲۹.
- اسعدی، مریم‌السادات؛ حبیبی، راضیه. (۱۳۹۸). «مأم وطن در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی». نامه پارسی، شماره ۵۵، ۵-۲۶.

- جدیدی، حمیدرضا؛ شاهرخی، فاطمه. (۱۳۹۳). «بازتاب تاریخ مشروطه در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی». تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات)، شماره ۳۴، ۶۳-۳۵.
- جهانشاهی افشار، علی. (۱۳۹۵). «تجلی قرآن کریم در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی». پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شماره ۴، ۴۶-۲۳.
- خاکپور، محمد؛ مهدی‌پور، محمد. (۱۳۸۹). «سرود زندگی تأملی در محتوا و مبانی جمال‌شناختی ادبیات کارگری». زبان و ادب فارسی، شماره ۲۱۵، ۱۳۲-۱۰۱.
- خان محمدزاده، زهرا. (۱۳۹۲). «بنای تکیه دولت». رشد آموزش و پرورش. شماره ۵۲، ۳۰-۲۶.
- سعادت، عباس. (۱۳۹۰). «کاوشی در شعر ادیب‌الممالک فراهانی «نهال عدل نروید مگر ز مورد دانش». ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد، شماره ۳۱، ۲۲۲-۱۹۷.
- عابدینی مطلق، کاظم. (۱۳۷۲). «دیدگاه تی. اس الیوت پیرامون ادبیات و مذهب». ادبیات داستانی، شماره ۱۳، ۴۱-۳۹.
- فروغ، مهدی. (۱۳۴۳). «تکیه دولت»، در مجله هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۲۹، اسفند ۱۳۴۳ ش.
- ولی‌زاده، حمید؛ تقی‌لو، حافظ. (۱۳۹۵). «سوگواره‌سرایی حسینی؛ در قصاید شریف رضی، ترجیع‌بند ادیب‌الممالک فراهانی و حدیقه السعدای محمد فضولی». ادبیات تطبیقی، شماره ۱۴، ۳۱۴-۲۹۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی